

## رازی در طب روحانی \*



فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ

(قرآن کریم)

إِنَّ مَرَضَ النَّفْسِ جَهْلُهَا

(افلاطون)

بقلم آقای دکتر مهدی محقق

دانشیار دانشکده ادبیات

گزیده مار را افسون پدیدست گزیده جهل را که شناسد افسون ؟  
ابوبکر محمد زکریای رازی (در لاتین Rhazes) طیب و فیلسوف بزرگ ایرانی  
متوفی ۳۲۰ از دانشمندان بزرگ جهان بشمار می رود. درباره مقام پزشکی او همین بس که  
در هنگامیکه بقواط و جالینوس خداوند طب محسوب می شدند آثار رازی آشکار شد  
و زبان لاتین و سایر زبانهای اروپائی ترجمه گردید و برای مدتی مدید در مدارس پزشکی

\* - متن انگلیسی این مقاله در روز ۳۰ فروردین ۱۳۴۵ (۱۹ آوریل ۱۹۶۶) در  
یکصد و هفتاد و ششمین جلسه انجمن امریکائی شرق شناسی در شهر فیلادلفیا تحت عنوان :  
«Nots on The . *Spiritual Physic* . of Al - Rāzī» بنحو اختصار بوسیله نویسنده التاء شده است

۱ - برای اطلاع از مقام طبی رازی در اروپا بکتابهای زیر رجوع شود :

J . Freind : *The History of Physis From the Time of Golen to the Beginning  
of the Sixteen Century* ( 2 vols ' London , 1426 - 1727 ) v. 2 , P . 48 ff .

E. T. Withington : *Medical History from the Earliest Times* ( London, 1864 )  
P . 145 ff .

M. Neuburger : *History of Melicine* , trans . E . Play Fair ( 2 vols ,  
London , 1910 ) V . 1 P . 260 ff .

E . G . Browne : *Arabian Medicine* ( Combridge Univ. Press , 1921 )  
P . 44 ff .

اروپا از آنها استفاده می‌شده و شروح و تفاسیر متعددی نیز بر آنها نوشته شد و نیز پس از بوجود آمدن صنعت چاپ در اروپا کتابهای رازی از قدیم ترین کتابهای بود که چاپ و منتشر گشت.<sup>۲</sup>

در میان دانشمندان فن پزشکی این سنت دیرین که طیب فاضل باید فیلسوف هم باشد مورد احترام و عمل بوده است و در این باره کتابی را مولفان تاریخ طب بنام « فی ان الطیب الفاضل یجب ان ینکون فیلسوفاً » برخی به بقراط و برخی دیگر بجالینوس نسبت داده اند.<sup>۳</sup> اسحاق بن حنین در کتاب خود بقراط را بعنوان ضرب المثل طیب و فیلسوف یاد می‌کند<sup>۴</sup> و نیز گوید که فرفور یوس جامع هر دو فن بود از این روی

← این کتاب تحت عنوان « طب اسلامی » در سال ۱۳۳۷ ش. در تهران بوسیله مسعود

رجب نیا بنارسی ترجمه شده است .

D Compbell : *Arabian Medicine and its Influence on the Middle Ages* ( 2 Vols, London, 1926 ) P. 65 ff .

C. A. Elgood : *A Medical History of Persia and the Eastern Caliphate from the Earliest Times until the Year 1932* ( Cambridge, 1951 ) P. 184 ff .

F. J. Carmody : *Arabic Astronomical and Astrological Sciences in Latin Translation* ( University of Colifornia Press, 1956 ) P. 132 ff .

A. A. Castiglioni : *A History of Medicine* Trans. E. B. Krumbhaar ( New York, 1958 ) P. 267 ff .

۱ - W. D. Sharp : « Thomas Linacer » *Bulletin of the History of Medicine* ( Baltimore, 1960 ) P. 253 .

۲ - B. Chancer : « Early Printing of Medical Books atd Some of the Printers who Printed them » , *Bulletin of the History of Medicine* ( Baltimore, 1948 ) P. 648 .

۳ - ابن جاجل : طبقات الاطباء و الحكماء ( قاهره ۱۹۵۵ ) ، ص ۱۹

۴ - اسحق بن حنین : تاریخ الاطباء و الفلاسفة ، مجله اورنیس Oriens جلد ۷ شماره ۱ ( لیدن ۱۹۵۴ ) ، ص ۶۷ . ترجمه انگلیسی کتاب نامبرده که بوسیله فرانز رزنتال F. Rosental انجام گرفته ضمیمه متن عربی است . نگارنده ( مهدی محقق ) نیز آن را بزبان فارسی ترجمه کرده و در مجله دانشکده ادبیات سال ۱۲ شماره ۳ ( تهران ۱۳۴۴ ) . صفحه ۳۳۹ تا ۳۵۴ منتشر ساخته است .

برخی او را فیلسوف و برخی دیگر طبیب می‌خواندند<sup>۱</sup> و این مطلب چنان مهم بود که می‌گفتند اگر طبیب فیلسوف نباشد نباید باو اعتماد کرد<sup>۲</sup>.

لزوم دانستن فلسفه از این جهت بود که طبیب باید بطبایع مختلف امزجه و اشکال قیاسهائی که بیماری‌ها در آنها مندرج است آشنا باشد گذشته از اینکه بنابقول ابوریحان هر کس که توجه بعلمی از علوم دارد باید فلسفه بخواند تا از اصول جمیع علوم آگاه گردد هر چند عمرش بر مطالعه فروع آن وفا نکند<sup>۳</sup>. جالینوس معتقدای پزشکان کتاب البُرّهان خود را برای این تالیف کرده است که در فن طب مورد استفاده قرار گیرد و در آن از قیاسهائی که طبیب در استنباط طب بآنها نیازمند است و همچنین قیاسهائی که در شناسائی بیماری‌های پنهانی و علل آنها در موارد مختلف بکار می‌رود بحث کرده است<sup>۴</sup> و نیز در آغاز کتاب «فِي التَّجْرِيبَةِ الطَّبَّيَّةِ» می‌گوید که فن پزشکی در آغاز کار بوسیله قیاس و تجربه استخراج گردیده و اکنون نیز کسانی که این دوروش را باهم بکار برند می‌توانند خوب

۱ - مأخذ قبل ، ص ۶۹ .

۲ - ابوالحسن طبری : المعالجات البقراطية ( نسخه خطی متعلق بکتابخانه اسرار Osler Library واقع در دانشکده پزشکی دانشگاه مک گیل مونترال کانادا مکتوب بسال ۶۱۱ هجری ) ، ص ۷۶ .

۳ - ابوریحان بیرونی : تحديد نهايات الاماکن ( انقره ۱۹۶۶ ) ، ص ۲۷۲ .

۴ - این سیمون اسرائیلی : رد موسی بن سیمون القرطبی الاسرائیلی علی جالینوس فی الفلسفة و العلم الالهی ، مجلة كلية الاداب بالجامعة المصرية ، المجلد الخامس ، الجزء الاول ( قاهره ۱۹۳۷ ) ، ص ۸۰ مقاله مزبور مشتمل بر قسمتی از فصول موسی بن سیمون در طب است که خود از آن به «الشکوک علی جالینوس» تعبیر می‌کند. این قسمت بوسیله دکتر یوسف شاخت J. Schacht و دکتر ماکس مایر هوف M. Meyerhof بزبان انگلیسی ترجمه شده و به بضمیمه مقدمه‌ای بهمان زبان در مجله فوق تحت عنوان زیر چاپ شده است :

« Maimonides Against Calen on Philosophy and Cosmogony .

بدرمان و عمل در این فن بپردازند<sup>۱</sup>. البته پیش از جالینوس افلاطون بود که در پزشکی قیاس را عدیل تجربه دانسته و جمع میان هر دو را تجویز کرده بود<sup>۲</sup>. این توجه بامر برهان و قیاس در فن پزشکی در دوره اسلامی نیز بقوت خود باقی بود چنانکه در انجمنی که الواثق بالله ترتیب داده و فلاسفه و متطبیبان را گرد کرده بود پس از مباحثات دراز درباره روش درست طبی بدین نتیجه رسیدند که جمهور اعظم طبیبان متماثل بقیاس هستند<sup>۳</sup>. بدیهی است تا طیب فلسفه و منطق نخوانده باشد نمی تواند بیماریها و درمان های گوناگون را تحت قیاسهای مختلف مندرج و بوسیله برهان نتایج آن را استخراج کند از این جهت برخی از دانشمندان مباحث فلسفه و منطق را باطبّ مزوج می کردند و برخی هم جداگانه مباحث فلسفی را بمیان می آوردند چنانکه ابوالحسن طبری در آغاز کتاب «المعالمات البقراطیة» خود فصولی از فلسفه را که طیب بآن نیاز مند است آورده است<sup>۴</sup> و شاید کلمه «حکیم» که تا چندی پیش بجای کلمه «دکتر» بکار می رفت نشان دهنده مفهوم فلسفه و طب و جمع هر دو در مصداق واحد بوده است و در ادب فارسی هم فراوان دیده می شود:

درد گنه را نیافتند حکیمان جز که پشیمانی ای برادر درمان<sup>۵</sup>

رازی در زمان خود نمونه کامل «حکیم» و جامع طب و فلسفه بود و در هر دو فن

۱- جالینوس: فی التجربة الطبیة (اکسفورد ۱۹۴۴)، ص ۱. این کتاب بوسیله

حنین بن اسحاق از یونانی بسریانی نقل و بوسیله حبیب بن الحسن از سریانی بعربی ترجمه شده است و ریچارد والزر R. Walzer استاد اوریل کالج Oriel College اکسفورد آن را

بزبان انگلیسی ترجمه و با مقدمه خود آن را تحت عنوان زیر منتشر کرده است:

*Galen on Medical Experience.*

۲- اسحاق بن حنین: تاریخ اطباء و الفلاسفة، ص ۶۷

۳- مسعودی: سراج الذهب (قاهره ۱۳۷۷ ق.)، ج ۴، ص ۷۹

۴- رجوع شود به زیر نویس شماره ۲ صفحه قبل.

۵- ناصر خسرو: دیوان (تهران ۱۳۰۷-۱۳۰۴)، ص ۳۴۷

روش جالینوس را دنبال می کرد و بی مناسبت نبود که او را « جالینوس العَرَب » لقب داده بودند<sup>۱</sup> بدین جهت است که رازی در هر دو فن تالیفات بسیاری دارد که نام آنها در کتب تراجم و تواریخ حکما آمده است . علم اخلاق که از جهتی جزو فلسفه و از جهت دیگر جزو طب است نزد اسلاف رازی خاصه جالینوس بسیار مهم بود و رازی هم عنایت کامل بآن معطوف داشت .

پیشینیان فلسفه را بدو قسم نظری و عملی تقسیم می کردند و اخلاق را یکی از شعب فلسفه عملی بشمار می آوردند . ابن مسکویه می گوید تحصیل سعادت به حکمت بستگی دارد و حکمت را دو جزء است نظری و عملی و سپس گوید کتابهای حکمت عملی همان کتابهای اخلاق است که نفس بوسیله آن پاک و مهذب می گردد<sup>۲</sup> و همچنین طب را به طب اجسام و طب نفوس تقسیم می کردند و می گفتند با طب نفس باید باصلاح و درمان اخلاق پرداخت و آن را از افراط و تفریط دور کرد و باعتدال نزدیک ساخت<sup>۳</sup> . در سخنان فیلسوفان و همچنین

۱- ابن ابی اصیبعه : عیون الانباء فی طبقات الاطباء (بیروت ۱۹۶۵)، ص ۱۵۰ . منظور از کلمه «عرب» «اسلام» است که متأسفانه مستشرقین بکار می برند و موجب اشتباه غیر اهل علم می شوند . نالینو می گوید : عرب بمعنی ثانوی اطلاق می شود بر جمیع اسم و شعوب که ساکن ممالک اسلامی بوده و زبان عربی در تالیفات خود بکار برده اند، بنابراین کلمه شامل ایرانی و هند و ترک و سوری ( = اهل سوریه ) و مصری و بربر و اندلسی و غیرهم می شود . کتاب علم الفلک ( رم ۱۹۱۱ )، ص ۱۷ ؛ و نیز رجوع شود به :

B. Lewis : *The Arabs in History* ( New York, 1960 ) , P. 14

بی مناسبت نیست که گفته شود که رازی از جهت فلسفه نیز « فیلسوف العرب » خوانده شده ، رجوع شود به : کتاب غایة الحکیم و احق نتیجتین بالتقدیم ، منسوب به ابو القاسم مسلمة بن احمد سجریطی ( هاسبورک ، ۱۹۲۷ ) ، ص ۱۴۴ .

۲- ابن مسکویه : الفوز الاصح ( بیروت ۱۳۱۹ ق. ) ، ص ۶۸ .

۳- ابن حزم اندلسی : رساله مراتب العلوم ( رسائل ابن حزم اندلسی . بولاق مطبعة

النهضة ) ، ص ۷۹

در قرآن و احادیث اشاره به بیماری نفس و قلب شده است افلاطون گفته : بیماری نفس عبارتست از نادانی . و در قرآن آمده : «فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا» ۲ . و نیز روایت شده : «الْمَرَضُ نَوْعَانِ : مَرَضُ الْقُلُوبِ وَمَرَضُ الْأَبْدَانِ» ۳ . بنابراین از طبیب و فیلسوفی چون رازی از دو جهت باید انتظار داشت که درباره اخلاق سخن گفته و کتاب تالیف کرده باشد خوشبختانه علی رغم اینکه بیشتر کتابهای فلسفی رازی در نتیجه تعصب و تکفیر و حوادث روزگار از بین رفته دو کتاب از او که درباره اخلاق است باقی مانده یکی بنام «الطب الروحانی» و دیگری بنام «السیرة الفلاسفیه» رازی در کتاب اول بحث از اخلاق نیکو و زشت بنحو عموم کرده ولی در دومی روش اخلاقی که شخص فیلسوف باید بآن عمل کند مورد بیان قرار داده است . این دو کتاب در ضمن « رسائل فلسفیه رازی» بوسیله پول کراوس در سال ۱۹۳۹ در قاهره بطبع رسیده است و هر دو

۱- جالینوس : جوامع کتاب طیماوس فی العلم الطبیعی ( لندن ۱۹۵۱ ) ، ص ۳۱ .  
متن عربی این کتاب با ترجمه لاتین و فهرست لغات فلسفی آن که بوسیله پول کراوس P. Kraus و ریچارد والزر انجام گرفته در مجموعه ( Plato Arabus I ) تحت عنوان زیر چاپ شده است :

*Galen Compendium Timaei Platonis .*

۲- قرآن کریم : سورة البقرة ، آیه ۱۰  
۳- ابن القیم الجوزیه : الطب النبوی ( قاهره ۱۳۷۷ق ) ، ص ۱  
۴- این قسمت بعنوان « الجزء الاول » منتشر شده . کراوس مواد جلد دوم « رسائل فلسفیه » را بنا باظهار خود در آغاز جلد اول آماده برای چاپ کرده بود ولی متأسفانه او در روز ۱۲ اکتبر ۱۹۴۰ در قاهره خودکشی کرد و آن مواد به مؤسسه فرانسوی باستان شناسی شرقی منتقل گشت . کراوس از خاورشناسان بزرگ بود و در مدت نسبتاً کوتاهی عمر علمی خود آثار کم نظیری از خود بجا گذاشت برای آشنائی با آثار کراوس رجوع شود به مقاله رزنتال درباره « مجموعه رسائل جابربن حیان » که بوسیله کراوس چاپ شده ، در مجله :

*Amerian Oriental Society ( Baltimore, 1945 ) , P. 68 .*

کتاب نیز مورد توجه و عنایت خاورشناسان بوده چنانکه دی بور مستشرق هلندی در سال ۱۹۲۰ مقاله کوتاهی درباره طب روحانی نوشته و بعضی از فقرات آن را بزبان هلندی ترجمه کرده است<sup>۱</sup> و در سال ۱۹۵۰ بوسیله آربری استاد دانشگاه کبریج بزبان انگلیسی ترجمه شده است<sup>۲</sup>. و کتاب السیره الفلسفیه نیز در سال ۱۹۳۵ بوسیله کراوس بزبان فرانسه ترجمه و در مجله اورینتالیا چاپ شده<sup>۳</sup> و در سال ۱۹۴۹ بوسیله آربری بزبان انگلیسی ترجمه و در مجله آزیاتیک ریویو (Asiatic Review) چاپ شده است<sup>۴</sup> و مرحوم عباس اقبال در سال ۱۳۱۵ شمسی کتاب اخیر را بزبان فارسی ترجمه و در مجله مهر منتشر ساخت و کمیسیون ملی یونسکو در ایران در سال ۱۳۴۳ متن عربی چاپ کراوس را با ترجمه فارسی مذکور بضمیمه مقدمه ای در شرح احوال و آثار و افکار رازی که نگارنده (= مهدی محقق) نوشته بود انتشار داد<sup>۵</sup>.

رازی کتاب طب روحانی را بنخواستش ابوصالح منصور بن اسحاق بن احمد بن اسد که از سال ۲۹۰ تا ۲۹۶ از طرف پسر عم خود احمد بن اسماعیل بن احمد دومین پادشاه سامانی در ری حکومت کرده است نوشت، این امیر همان کسی است که رازی «کتاب المنصوری» خود را

۱ - این مقاله در مجله آکادمی علوم هلند (استرداد ۱۹۲۰)، ص ۱-۱۷ تحت عنوان

زیر چاپ شده است :

De « Medicina Mentis » Van Den Arts Razi .

۲ - بلدین عنوان :

*The Spiritual Physick of Razes .*

۳ - P. Kraus : Raziana I, *Orientalia*, N. S. IV (Rome 1935) ,

p. 300 - 334 .

۴ - *Encyclopaedia of Islam* , Vol. 1. N. S. P. 328

۵ - نشریه شماره ۲۳ کمیسیون ملی یونسکو در ایران بمناسبت هزار و یکصدمین سال

تولد رازی ( در این مقاله باین چاپ ارجاع داده می شود ) .

۶ - یاقوت «موی : معجم البلدان ( لایبزیك ۱۸۶۷ ) ج ۲ ، ص ۹۰۱ .



که بعدها شهرت جهانی یافت<sup>۱</sup> بنام او کرده است و در آغاز طب روحانی می گوید این کتاب را الطب الروحانی نامیدم تا عدیل و قرین کتاب المنصوری باشد در طب جسدانی<sup>۲</sup>. ولی کتاب السیرة الفلسفیه را در پاسخ کسانی نوشت که باو خرده گرفته بودند که از سیرت حکما و فیلسوفان انحراف جسته و باموردنیوی و آمیزش با مردم و خدمت ملوک مشغول شده و راه و روشی را که پیشوای فیلسوفان سقراط بزرگ داشته مورد غفلت قرار داده است<sup>۳</sup>. در این گفتار مجال آن نیست که هر دو کتاب اخلاقی رازی با هم مورد بحث قرار گیرد لذا به سخن درباره کتاب الطب روحانی او که این مقاله مُصدّر بدان است اکتفا می شود.

پیش از رازی یعقوب بن اسحاق کندی کتابی بنام الطب الروحانی داشته ولی بدست ما نرسیده<sup>۴</sup>. و معلوم نیست آیا این همان کتابی است که بعنوان « فیسی الاخلاق » نوشته که نسخه ای از آن در یکی از کتابخانه های شخصی در شهر حلب بدست آمده<sup>۵</sup> و یا اینکه کتابی دیگر است علی ای حال افکار و عقائد اخلاقی کندی مورد توجه دانشمندان فن بوده و ابن مسکویه در کتاب خود فصالی را از او نقل می کند<sup>۶</sup> و از رساله ای که او بنام « فی حدود

۱- کتاب المنصوری مهمترین کتاب رازی است که در زبان حیات خود آن را تمام کرده، زیرا کتاب الحاوی او پس از سرگش بوسیله شاگردانش تنظیم شده و برخی از دانشمندان معتقدند که کتاب الجامع الکبیر که رازی در السیرة الفلسفیه ص ۱۰۲ درباره آن میگوید که پانزده سال شب و روز خود را صرف تالیف آن کرده کتاب المنصوری است نه کتاب الحاوی، رجوع شود به:

۱. ز. اسکندر: الرازی و محنة الطیب، مجلة المشرق (بیروت ۱۹۶۰)، ص ۴۷۶.

۲- رازی: الطب الروحانی (رسائل فلسفیه)، ص ۱۵.

۳- رازی: السیرة الفلسفیه، ص ۹۱.

۴- الادب و تشریح یوسف مکارثی الیسوعی: التصانیف المنسوبة الی فیلسوف العرب

(بغداد ۱۹۶۲)، ص ۴۳.

۵- R. Walzer: *Greek into Arabic* (Oxford 1962). P. 223.

۶- ابن مسکویه: تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق (بیروت دارمکتبه الحیاة

(۱۹۶۱)، ص ۱۶۷.



الأشياء ورُسومِها» نوشته<sup>۱</sup> و در آن بتعریف اصطلاحات و لغات فلسفی و اخلاقی پرداخته استنباط می‌شود که روش او با روش رازی کاملاً متفاوت است و بالعکس با روش ابن مسکویه در «تَهْدِيْبُ الْأَخْلَاقِ وَتَطْهِيْرُ الْأَعْرَاقِ»<sup>۲</sup> و یحیی بن عدی در «تَهْدِيْبُ الْأَخْلَاقِ»<sup>۳</sup> و ابن سینا در رساله<sup>۴</sup> «فِي عِلْمِ الْأَخْلَاقِ» و ابن حزم در رساله<sup>۵</sup> «فِي مُدَاوَاةِ النَّفْسِ وَتَهْدِيْبِ الْأَخْلَاقِ»<sup>۵</sup> مانندگی دارد و می‌توان گفت که این‌ها روش‌کندی را که بیشتر ارسطویی بوده دنبال کرده‌اند ولی رازی چنانکه پس از این دیده می‌شود بیشتر متأثر از افلاطون و جالینوس بوده و کمتر اثر ارسطو در افکار او دیده می‌شود.

پیش از رازی کتاب قابل توجهی دیگر در اخلاق بنظر نمی‌آید که بتوان طب روحانی را با آن مقایسه کرد کتابی که شهاب الدین احمد بن محمد بن ابی الربیع بنام «سُكُوْكُ الْمَالِكِ فِي تَدْبِيْرِ الْمَمَالِكِ» برای المعتصم بالله خلیفه عباسی تألیف کرده<sup>۶</sup> و در آن مباحث مربوط سیاست مُدُن و تهذیب اخلاق را آورده اصالتش مورد تردید است زیرا مطالب کتاب چنان پخته و پرداخته شده است که بعید نمی‌نماید در سیاست مدن مقدم بر فارابی و در اخلاق مقدم بر ابن مسکویه و یحیی بن عدی باشد و چنانکه جرجی زیدان حدس زده است احتمال داده می‌شود که کلمه «معتصم» در اصل «مستعصم» بوده و نسخ مرتکب اشتباه شده‌اند<sup>۷</sup>. پس از رازی تعبیر طب روحانی شایع و متداول گردید چنانکه

۱- الکندی: فی حدود الاشياء ورسومها (رسائل الکندی الفلسفیه: قاهره ۱۳۶۹ق.)،

ج ۱، ص ۱۷۸

۲- ونیز در کتابهای دیگر خود مانند: الفوز الاصحغر و کتاب السعادة.

۳- این کتاب در مجموعه رسائل البلغا (چاپ چهارم قاهره ۱۳۲۶) ، ص ۵۲۲-۵۸۳

چاپ شده است.

۴- ابن سینا: تسع رسائل فی الحکمة والطبیعیات (قاهره ۱۳۲۶ق.) ، ص ۱۵۲.

۵- رسائل ابن حزم الاندلسی، ص ۱۷۳-۱۱۵.

۶- این کتاب در قاهره بسال ۱۳۲۹ق. چاپ شده است.

۷- جرجی زیدان: تاریخ آداب اللغة العربیة (قاهره ۱۹۱۲) ، ج ۲، ص ۲۱۴.

میرسید شریف جرجانی در کتاب «التَّعْرِيفَات» طب روحانی را چنین تعریف کرده است:

«الطِّبُّ الرُّوحَانِيُّ هُوَ الْعِلْمُ بِكَمَالَاتِ الْقُلُوبِ وَأَفَاتِهَا وَأَمْرَاضِهَا وَأَدْوَانِهَا وَبِكَيْفِيَّةِ صِحَّتِهَا وَاعْتِدَالِهَا».

و سپس در تعریف طبیب روحانی گوید:

«هُوَ الشَّيْخُ الْعَارِفُ بِذَلِكَ الطَّبِّ الْقَادِرُ عَلَيَّ الْإِرْشَادِ وَالتَّكْمِيلِ»<sup>۱</sup>.

ابوالفرج عبدالرحمان جوزی کتابی بنام «الطَّبُّ الرُّوحَانِيُّ» نوشته و عنوان نوزده فصل از فصول بیستگانه کتاب رازی را برای فصول کتاب خود انتخاب کرده و فقط عنوان فصل چهاردهم را که «فِي دَفْعِ الْإِنْتِهَامِكِ فِي الشَّرَابِ» میباشد نیاورده است در این کتاب مطالب کتاب رازی را با آیات و احادیث و اشعار و امثال و حکم آمیخته و ابوابی را بر آن افزوده و نامی هم از مقدم خود نیاورده است اوحقی آغاز کتاب خود را مانند رازی درباره ستایش عقل و برتری آن قرار داده<sup>۲</sup> ولی تعبیر «زَمُّ الْهَوَى» یعنی مهار کردن هوای نفس را که رازی در طب روحانی آن را بسیار بکار برده در کتاب ابن جوزی بصورت «ذَمُّ الْهَوَى» یعنی نکوهش هوای نفس دیده می شود<sup>۳</sup> او نیز کتاب مستقل دیگری نیز تألیف کرده و آن را «ذَمُّ الْهَوَى» نامیده است<sup>۴</sup> و ما نمی دانیم این اشتباه ناشی از ابن جوزی است یا از نسخاتی که کتابهای او را کتابت کرده اند.

در اینجا دو نکته مهم باید در نظر گرفته شود یکی اینکه رازی همچنانکه در فلسفه متأمل با افلاطون بوده است در اخلاق نیز از او پیروی کرده و دیگر اینکه او برخلاف ابن مسکویه که هر چه را پیشینیان گفته اند بدون هیچ گونه نقد و نظری نقل کرده، خود

۱- میرسید شریف جرجانی: التعريفات (قاهره ۱۳۵۷ق)، ص ۱۲۲.

۲- ابن جوزی: الطب الروحاني (دمشق ۱۳۴۸ق)، ص ۵ «فی فضل العقل».

۳- ابن جوزی: الطب الروحاني (دمشق ۱۳۴۸ق)، ص ۵ «فی فضل العقل».

۴- این کتاب در قاهره بسال ۱۹۶۲ چاپ شده است. عنوان باب اول و دوم این کتاب

نیز مانند کتاب دیگر او بمتابعت از رازی چنین آمده است: «فی ذکر العقل و فضله و ذکر ماهیته» «فی ذم الهوی و الشهوات».

را بعنوان یک انتقادکننده که دارای فکری مستقل است نشان می‌دهد و همین دوجنبه رازی موجب شده است که مورد طعن و حمله قرار گیرد او در مناظره‌ای که با ابوحاتم رازی<sup>۱</sup> همشهری خود درباره مطالب فلسفی و کلامی کرده است هنگام بحث در باب قدیم بودن مکان صریحاً اظهار می‌کند که آنچه او گفته است قول افلاطون است و آنچه ابوحاتم در مخالفت با او بدان متشبث شده است قول ارسطوی باشد<sup>۲</sup> و صاعد اندلسی نیز تصریح می‌کند باینکه رازی از ارسطو کناره‌گیری کرده و بر ارسطو خرده گرفته که از افلاطون و متقدمان فلاسفه جدا شده است<sup>۳</sup>. و چون در عقیده<sup>۴</sup> بقدم زمان و مکان که مسعودی اصل آن را به «مجوس<sup>۵</sup>» و نیز مؤلف البدء والتاریخ به «ثنویة<sup>۶</sup>» نسبت می‌دهد پنداشته شده که رازی متمایل به ثنویت بوده لذا کتاب الطب روحانی او هم مانند کتاب العلم الالهی او مورد حمله و اتهام به ثنویت قرار گرفت چنانکه صاعد اندلسی گوید او در کتاب العلم الالهی والطب الروحانی بمخالفت ارسطو پرداخت و در اشراک مذهب ثنویت را نیکو شمرد<sup>۷</sup>

۱- ابوحاتم احمد بن حمدان رازی از داعیان مشهور اسماعیلیه و از معاصران محمد بن زکریاء بوده است او مناظرات خود را با رازی در کتابی گرد کرده و آن را بنام «اعلام النبوه» نامیده است میکروفیلم و نسخه عکسی این کتاب در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است قسمتی از این کتاب را پول کراوس در سال ۱۹۳۶ در رم تحت عنوان: Raziana II و سپس در سال ۱۹۳۶ در رسائل فلسفیه تحت عنوان «المناظرات بین ابی حاتم الرازی و ابی بکر الرازی» چاپ کرده و همین قسمت در سال ۱۳۳۳ ش. بوسیله آقای حسین واعظ زاده (حکیم الهی) بزبان فارسی ترجمه و در مجله فرهنگ ایران زمین دفتر ۲ و ۳ چاپ شده است.

۲- رازی: رسائل فلسفیه (منقول از اعلام النبوة)، ص ۳۰۷.

۳- صاعد بن احمد الاندلسی: طبقات الاسم (بیروت ۱۹۱۲)، ص ۳۳.

۴- ابوالحسن المسعودی: التنبیه والاشراف (بغداد ۱۳۵۷ ق.)، ص ۸۱.

۵- ابو زید احمد بن سهل الباخی: البدء والتاریخ (پاریس ۱۹۱۹-۱۸۹۹)، ج ۴،

ص ۲۵، برای اطلاع از عقیده ایرانیان باستان درباره قدم زمان و مکان رجوع شود به:

R. C. Zaehner: *Zurvan* (Oxford 1955) p. 208

۶- صاعد اندلسی: طبقات الاسم، ص ۳۳.

وگر نه رازی که « الرد علی سینس الثنوی »<sup>۱</sup> را نوشته و در الطب الروحانی<sup>۲</sup> و السیرة الفلسفیه<sup>۳</sup> آشکارا « منانیه » را مورد طعن قرار داده چگونه ممکن است که بجانب ثنویت متمایل بوده است. برازی کتابی منسوب است که آن را « مخاریقُ الأنبیاء » پنداشته<sup>۴</sup> و در آن بردّ مسأله نبوت پرداخته است و چون با تضعیف مسأله نبوت مسأله امامت نیز سست می‌شود - زیرا شیعه قائل به تشاکل میان پیغمبران و امامان است<sup>۵</sup> - دانشمندان اسماعیلی بیش از همه در صدد ردّ و نقض رازی برآمدند از جمله حمیدالدین کرمانی مشهور به « حجة العراقین » که از بزرگان دعای اسماعیلیه بود کتابی بنام « الأقوالُ الذّهبیّة » نوشت که در آن از یک طرف بدفاع از ابو حاتم رازی گفته‌های او را در مباحثات فلسفی و کلامی با رازی تتمیم و تکمیل کرد و از طرفی دیگر مستقیماً عقائد اخلاقی رازی را در الطب الروحانی مردود جلوه داد فقراتی از کتاب الاقوال الذهبیة که در ردّ بر الطب الروحانی است در ذیل کتاب بوسیله پول کراوس آورده شده این کتاب هنوز چاپ نشده ولی در کتاب راهنمای ادب اسماعیلی معرفی شده است<sup>۶</sup>.

رازی در اخلاق فلسفی خود تابع افلاطون بود و از راه مطالعه کتابهای جالینوس

- ۱ - ابوریحان : رسالة ابی ریحان فی فهرست کتب الرازی (پاریس ۱۹۳۶ م.) شماره ۱۴ . در فهرست ابن ندیم (المطبعة الرحمانية بمصر) ، ص ۱۶۴ آمده : « فیما جرى بينه وبين سينس المناني » سيسن یا سيسن Sisinnios از شاگردان مانی بود که بعد از وفات مانی بنا بروصیت و تعیین او خلیفه کل مانویان گردید و مقام او در بابل بود رجوع شود به ترجمه فارسی ایران در زمان ساسانیان کریستن سن (تهران چاپ دوم) ، ص ۲۲۴ .
- ۲ - رازی : الطب الروحانی (رسائل فلسفیه) ، ص ۹۱ .
- ۳ - رازی : السیرة الفلسفیه ، ص ۹۷ و ۹۹ .
- ۴ - ابوزید بلخی : البدء والتاریخ ، ج ۳ ، ص ۱۱۰ .
- ۵ - ابن بابویه : کمال الدین و تمام النعمة (هایدلبرگ ۱۹۰۱) ، ص ۳ .
- ۶ - W. Ivanow: *Ismaili Literature* (Tehran, 1963) p. 42 - این کتاب در سال ۱۹۳۳ در لندن تحت عنوان *A Guide to Ismaili Literature* منتشر شده است .

به افکار افلاطون دست یافته بود و جالینوس نیز هم از جهت طبی<sup>۱</sup> و هم از جهت فلسفی در او مؤثر بوده است. نفوذ فلسفی افلاطون در فلاسفه<sup>۲</sup> اسلام بوسیله<sup>۳</sup> مفسران نو افلاطونی مانند پلوتین (Plotinus) و فرفور یوس (Porphyry) و ابرقلس (Proclus) صورت گرفت<sup>۴</sup> و نفوذ اخلاق فلسفی (Moral philosophy) او در دانشمندان اسلامی که کتاب در علم اخلاق تصنیف کردند بیشتر مرهون جالینوس بوده است زیرا مهمترین مرجع اخلاق فلسفی در آثار افلاطون کتابهای جمهوریت *Republic* و *Timaeus* و *Laws* و *Politic* است و جالینوس در سلسله کتبی که بنام *Epitome* معروف است کتابهای فوق را تلخیص کرده و سپس ترجمه<sup>۵</sup> عربی آنها در دسترس فلاسفه<sup>۶</sup> اسلامی قرار گرفته است. چنانکه می دانیم جالینوس کتاب «جوامع کتاب النوامیس» را داشته که موسی بن میمون اسرائیلی فقره ای از آن را در شرح کتاب الفصول بقراط بعربی نقل کرده است<sup>۷</sup> و همچنین «جوامع کتاب افلاطون فی سیاست المدین» را نوشته که مورد استفاده<sup>۸</sup> ابن الاثیر در الکامل قرار گرفته است<sup>۹</sup> و ابن ابی اصیبعه در ذیل جوامع کتب افلاطون جالینوس کتاب «بولیطیقوس فی المدبیر» را یاد می کند<sup>۱۰</sup> و این همان کتاب است که فارابی در بیان «العلم المدنی» بدان تمسک جست<sup>۱۱</sup> و از آن بنام بولیطیقی *Politic* نام می برد<sup>۱۲</sup> و نیز «جوامع طیماوس فی العلم الطبیعی» را جالینوس نوشته که ترجمه<sup>۱۳</sup> عربی آن

۱ - جالینوس مثل اعلی و نمونه کامل طب در دنیای اسلام محسوب می شده است مستنبی دیوان (برلن ۱۸۶۱) گوید:

لما وجدت دواء دائی عندها هانت علی صفات جالینوسا

*Encyclopedia of Islam, Vol. 1. N. S. , p. 234 - ۲*

- ۳ - ابن ابی اصیبعه: عیون الانباء فی طبقات الاطباء، ص ۱۴۷.
- ۴ - نقل از ضمیمه کتاب جوامع طیماوس فی العلم الطبیعی، ص ۳۹.
- ۵ - نقل از ضمیمه کتاب جوامع طیماوس فی العلم الطبیعی، ص ۳۵.
- ۶ - ابن ابی اصیبعه: عیون الانباء فی طبقات الاطباء، ص ۱۴۷.
- ۷ - ابونصر فارابی: احصاء العلوم (مجریط = مادرید، ۱۹۵۳)، ص ۹۶.

بطبع رسیده است<sup>۱</sup> و کتاب اخیر افلاطون یعنی طیماوس که محشو<sup>۲</sup> از مطالب اخلاق فلسفی است مورد توجه رازی بوده چنانکه خود نیز تفسیری بر کتاب طیماوس نوشته است<sup>۳</sup>. جالینوس خود کتابی در علم اخلاق داشته است که اصحاب تواریخ و تراجم مانند ابن‌الندیم و بیرونی و ابن‌القفطی و ابن‌ابی‌اصیبه از آن یاد کرده‌اند و خود او در یکی از رساله‌های اخلاقی خود گوید که من در کتاب اخلاق النفس *on Moral character* خود درباره اینک که چگونه مرد می‌تواند نفس خود را خوب بگرداند بتفصیل سخن گفته‌ام<sup>۴</sup>. اصل یونانی این کتاب مانند سایر کتب فلسفی و اخلاقی او از بین رفته ولی ترجمه عربی آن مورد استفاده بسیاری از دانشمندان اسلامی واقع شده است<sup>۵</sup> ارباب تراجم ترجمه این کتاب را به حبیش‌الاعم نسبت می‌دهند و این درست نیست زیرا حنین بن اسحاق در رساله‌ای که به علی بن یحیی<sup>۱</sup> نوشته و در آن درباره کتابهایی که از

۱ - رجوع شود به زیرنویس شماره ۱، ص ۱۱۸.

۲ - ابوریحان بیرونی: رساله فی فهرست کتب الرازی، شماره ۱۰۷.

۳ - Galen on the passions and errors of the Soul (Ohio University Press, 1963), p. 46

۴ - پول کراوس در مقدسه خود بر کتاب «مختصر کتاب الاخلاق» جالینوس، (مجله کلیه

الاداب بالجامعة المصرية، المجلد الخامس، الجزء الاول، قاهره ۱۹۳۷)، ص ۲۴-۱ فقراتی

از کتاب الاخلاق جالینوس را که دانشمندان زیر در کتابهای خود نقل کرده‌اند آورده است:

در ص ۱۲ از ابن‌القفطی در تاریخ الحكماء و ابن‌ابی‌اصیبه در عیون الانباء، ص ۱۵ از ابوریحان

در رساله فی فهرست کتب الرازی، ص ۱۶ از مسعودی در التنبیه والاشراف، ص ۱۹

از ابویوب اسرائیلی در اصلاح الاخلاق و ابوریحان در تحقیق ماللهند، ص ۲۱ از ابوسلیمان

سجستانی در منتخب صوان الحکمة. و نیز استرن خود فقراتی از آن کتاب را که قدامة بن

جعفر در نقد النثر، و ابوالحسن طبری در المعالجات البقراتية و موسی بن عذار در کتاب الحدیقة

فی معنی المجاز والحقیقة، و سروزی در کتاب طبایع الحيوان و عبدالله بن فضل در رد تنجیم نقل

کرده‌اند در یکی از مقالات خود آورده و بزبان انگلیسی نیز ترجمه کرده است رجوع شود به:

S. M. Stern: «Some Fragments of Galen's on Disposition in Arabic», *The*

*Classical Quarterly* (Oxford 1956) p. 91-104 و همچنین ابن مسکویه در کتاب تهذیب

الاخلاق و تطهیر الاعراق قسمتی از کتاب اخلاق النفس جالینوس را نقل کرده است.

جالینوس ترجمه کرده سخن رانده گفته است که مردی از صابیان بنام منصور بن اثاناس آنرا به سریانی و خود آنرا بعربی ترجمه کرده است و سپس حبیش الاعم از روی ترجمه عربی دوباره بسریانی ترجمه کرده است.<sup>۱</sup> محتمل است کتابی که در فهرست قدیم کتابخانه اسکوریال از جالینوس بنام «فی اصلاح الاخلاق» بشماره ۱۵۷ آمده و پیش از حریق معروف و نابودی بسیاری از کتب نفیسه موجود بوده همین کتاب باشد.<sup>۲</sup> خوشبختانه نسخه‌ای از تلخیص کتاب مزبور در ضمن مجموعه‌ای در دارالکتب المصریه بدست آمده که متعلق بکتابخانه احمد تیمور پاشا بوده است این تلخیص که بوسیله ابو عثمان سعید بن یعقوب الدمشقی صورت گرفته در سال ۱۹۳۷ در مجله دانشکده ادبیات قاهره بوسیله پول کراوس بنام «مختصر من کتاب الاخلاق لجالینوس» چاپ شده و کراوس مقدمه محققانه‌ای هم بر آن نوشته است.<sup>۳</sup> این مختصر هم مانند اصل چهارمقاله است. ریچارد والرز نویسنده ماده ( = Article ) اخلاق در دائرة المعارف اسلام گفته است که مقاله دوم و سوم این کتاب همان دو مقاله است که رازی در فصل چهارم کتاب الطب الروحانی از جالینوس بنام «فی أن الأخیار ینتفعون بأعدائهم» و «فی تعرف الرجل عیوب نفسه» یاد کرده<sup>۴</sup> و گفته است که او جوامع و خلاصه دومین را در آن فصل ذکر کرده است. ولی این درست نیست زیرا بنا بر نقل اصحاب تراجم از جمله ابن الجاصبه کتاب الاخلاق در چهارمقاله غیر از دو

۱- پول کراوس: مقدمه مختصر کتاب الاخلاق (مجله دانشکده ادبیات قاهره، جلد ۵،

جزء ۱، ۱۹۳۷)، ص ۱۲۰.

۲- N. Morata: «Un Catálogo de los fondos árabes Primitivos de escorial»

*Al-Andalus*, (Madrid 1934) Vol. II, p. 118.

۳- مقدمه کراوس ص ۲۴-۱، متن کتاب ص ۵۱-۲۵.

۴- *Encyclopaedia of Islam*, Vol. I N. S., p. 327 - ۴



مقاله فوق است<sup>۱</sup> و نگارنده معتقد است که منظور رازی مقاله‌ای است که جالینوس نوشته و آن را درمان هوای نفس «*The Diagnosis and Cure of the Soul's Passion*» نامیده این مقاله با مقاله دیگر که آن را درمان خطای نفس «*The Diagnosis and Cure of the Soul's Errors*» نامیده در سال ۱۹۱۴ بزبان فرانسه ترجمه و در پاریس چاپ شده<sup>۲</sup> و ترجمه انگلیسی آن در ۱۹۶۳ در امریکا منتشر گشته است<sup>۳</sup> و در طی این گفتار موارد متعددی از الطب الروحانی رازی با آنچه در مقالات جالینوس آمده تطبیق می‌گردد. بطور اجمال روشن گشت که رازی چگونه افکار افلاطون و جالینوس را بدست آورده است. از آنجا که رازی بمقدار بسیار کم و کندی و یحیی بن عدی و ابن سینا و ابن مسکویه و سپس اخلاق نویسان فارسی مانند فخر رازی در فصل اخلاق جامع العلوم و نصیرالدین طوسی در اخلاق ناصری و جلال‌الدین دوانی در اخلاق جلالی باندازه فراوان از ارسطو متأثر شده‌اند بے مناسبت نیست از مهمترین منبع اخلاق فلسفی ارسطویی که مسلمانان از آن استفاده کرده‌اند یعنی کتاب اخلاق نیکوماخس ارسطو<sup>۳</sup> یاد شود ترجمه عربی این کتاب در یازده مجلد در ترجمه‌های اسحاق بن حنین شناخته شده است<sup>۴</sup> و دانشمندان اسلامی تفاسیر و تالخیص متعددی بر آن نوشته‌اند از جمله ابوالولید بن رشد شرحی بر مقاله اول تا دهم آن داشته است که در فهرست قدیم کتابخانه اسکوریال

۱ - ابن ابی اصیبه در همانجا که نام از دو مقاله مزبور می‌برد: کتاب الاخلاق اربع مقالات رجوع شود به عیون الانباء ص ۱۴۷.

۲ - R. Van der Elst: *Traité des Passions de l'Ame et de erreurs Par Galien*. (Paris, 1914).

۳ - ترجمه انگلیسی اصل اخلاق نیکوماخس تحت عنوان: *Ethica Nicomacha* در سال ۱۹۲۵ در اکسفورد در مجموعه آثار ارسطو: *The works of Aristotle* چاپ شده و در این مقاله باین چاپ ارجاع داده می‌شود.

۴ - *Encyclopaedia of Islam*, Vol. 1, N. S., p. 327 - ۴

تحت شماره ۷۴ دیده میشود<sup>۱</sup> و نیز نسخه‌ای از ترجمه عربی اخلاق نیکوماخس در مکتبه الغرویین واقع در شهر ناس از بلاد مراکش بدست آمده که آربری آن را در مجله مدرسه السنه شرقیه معرفی کرده است<sup>۲</sup>، منقولاتی از اخلاق نیکوماخس در کتابهای اسلامی آورده شده<sup>۳</sup> و معمولاً از آن تعبیر به «نیقوماخیا» یا «نیقوماخیه» می‌کنند.

نا تمام



- ۱- مجله اندلس (رجوع شود به زیرنویس شماره ۲، صفحه ۱۲۷ و نیز طی زیرنویس شماره صفحه آمده: «کتاب الاخلاق المسمى نيقوماخية».
- ۲- A. J. Arberry: «Nicomachean Ethics in Arabic Bulletin of the School of oriental and African Studies (London. 1955) p. 1.
- ۳- ابن مسکویه: تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، ص ۱۱۱.
- ۴- ابوالحسن عامری: السعادة والاسعاد فی السیرة الانسانیة (ویسبادن ۱۹۵۸)، ص ۲۰۱.